



بررسی نحوه فراگیر شدن شبکه های اجتماعی مجازی در ایران (بر اساس مدل خودسازماندهی)

احسانه نظری - سینا لاله

دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی ؛ nazari.ehsaneh@gmail.com

دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی ؛ ie_sina_laleh@yahoo.com

چکیده

در حوزه مطالعه ی پدیده جهانی شدن، بحث بهره گیری از شبکه های اجتماعی، به عنوان یکی از اثرگذارترین ابزارهای ارتباطی دنیای امروز، نقش به سزایی داشته به طوری که بر خلاف گذشته، امروزه حجم عظیمی از منابع اطلاعاتی، در قالب انتقال پیام های متنی یا چندرسانه ای، خارج از محدودیت های مربوط به زمان و مکان، در کسری از ثانیه به صورت و ویروسی، در اختیار قشر کثیری از افراد جامعه قرار می گیرد که بعضاً "مسئله کنترل و نظارت بر این نحوه نشر و توزیع اطلاعات، بسیار سخت و پیچیده به نظر می رسد. در این مقاله، ضمن معرفی مدل "خودسازماندهی"، بر اساس تعریفی که از "انسان اقتصادی" و "انسان اجتماعی" وجود دارد، زمینه های بروز و ظهور شبکه های اجتماعی مجازی و نقش آن در دنیای ارتباطات رو به توسعه امروزی، بیان شده و نحوه ی فراگیر شدن شبکه های اجتماعی مجازی در ایران، مطابق با چارچوب نظری "مدل خودسازماندهی"، مورد بررسی قرار می گیرد.

واژه های کلیدی :

مدل خودسازماندهی، انسان اقتصادی، انسان اجتماعی، شبکه های اجتماعی

مقدمه :

پیش از بررسی و توضیح مدل "خودسازماندهی" جامعه^۱ لازم است ابتدا به شرح مختصری از مفهوم "انسان اقتصادی" و "انسان اجتماعی" که به عنوان انسان مفروض در مطالعات و تحقیقات حوزه های اقتصادی و اجتماعی لحاظ شده است، پردازیم. چرا که انسان مفروض در مدل خودسازماندهی، یک انسان واقعی بوده و لازم است هم اقتصادی و هم اجتماعی باشد.

در مطالعات اقتصادی، زمانی که بحث توسعه اقتصادی مطرح شد، با وارد کردن عامل فرهنگ در رویکردهای اقتصادی، سعی در توضیح و توجیه برخی استدلالات داشتند. به عنوان مثال در بحث اقتصاد توسعه، در خصوص چگونگی رشد و توسعه اقتصادی جوامع، ماکس وبر اعتقاد داشت که منشاء و دلیل توسعه سرمایه داران مدرن، به دلیل روحیه سخت کوشی و صرفه جویی در اخلاق پیروان مذهب پروتستان است. پس از آن، این پرسش مطرح شد که آیا برخی عناصر

فرهنگی می توانند مانعی بر سر راه رشد و توسعه اقتصادی جوامع باشند؟ و یا به عکس، آیا می توانند در روند رشد و توسعه تسریع ایجاد کنند؟ [1]

در این مطالعات، انسان مفروض یک انسان اقتصادی است، به این مضمون که فقط و فقط به دنبال اهداف خود و رفع نیازهای خود از هر طریق ممکن می باشد. این انسان، مشابه یک ماشین نیاز بوده و در راستای رفع نیازهایش استفاده از منابع موجود را به حداکثر می رساند.

در رویکرد اقتصادی، مکانیزم هماهنگ کننده و کنترل کننده "بازار" است. بدین ترتیب که عملکرد هر فرد، قیمتی دارد و هر شخص زحمات فرد دیگر را با پرداخت قیمت آن جبران می کند. در واقع در این مدل، قیمت، وسیله ای است برای برابر کردن ارزشها؛ و از آنجا که ارزش رفتار هر فرد از طریق جبران زحمات او تامین می شود، فلذا از اعضای جامعه انتظار عملکردهای خاصی را می توان داشت و چون هر عملکردی در این مدل، دارای ارزش بازار می شود، همین موضوع باعث کاهش احتمال وقوع رفتارهای غیرمترقبه شده و از طریق ارزش گذاری، نظم بوجود می آید. [2]

در نتیجه، در این مدل، انسان موجودی مستقل و آزاد است که ارزش عملکرد هر فرد را شناخته و می تواند مختارانه تصمیم بگیرد که آیا رفتار فرد مقابل را با پرداخت قیمت آن، جبران نماید یا خیر. فلذا این انسان مستقل و آزاد می تواند کاملاً بر مبنای تمایلات خود تصمیم می گیرد، یعنی می تواند، خودخواهانه و عاری از هرگونه احساس و عواطف، با سایر افراد جامعه رابطه برقرار کند به گونه ای که ارتباط با دیگران را صرفاً در جهت رفع نیازهای خود در نظر گرفته و ارتباطات را در حد مبادله ی ارزشها تلقی نماید.

لازم به ذکر است، تنها از طریق دقیق قوانین مالکیت است که در خصوص انسان اقتصادی می توان تا حدی به نرم های اجتماعی دست پیدا کرد. اینکه در مقابل با "سواری مجانی"^۲ برخی از افراد، نوعی انگیزه برای فعالیت های اقتصادی در افراد ایجاد شده و برای این که رفتارها و عملکردها از قبل تعریف شده و قابل پیش بینی باشد، لازم است دایره رویکرد از انسان اقتصادی فراتر رود.

در رویکردهای اجتماعی، انسان به گونه ای دیگر تعریف می شود، در دنیایی که منابع آن محدود هستند، در کنار هم قرار گرفتن مجموعه ای از افراد، با فرض با هم بودن یا برعلیه هم بودنشان، مسائل مهمی

^۲ Free rider

^۱ Self organizing